

عکس یادگاری عابربانک‌ها با هنر



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

بانک ص برای تولید و عرضه آلبوم مشترک همایون شجریان و کیخسرو پورناظری ترتیب ویژه‌ای دیده و این کار را مقدمه‌ای برای ایجاد یک پلنفرم موسیقی دیزنگرفته است. گویا قصد حضور بانک ص در اقتصاد نجف هنر ایران جدی است و گام اول را هم با ریختن وپاش فراوان و دعوت از سیاستمداران و مجری برنامه ۹۰ محکم برداشته است؛ به‌گونه‌ای که نگاه شهروندان در جای جای شهر به بیلبوردهای این آلبوم دوخته شده و همه چیز حاکی از صرف هزینه‌های گزاف در این زمینه است. ارتزاق هنر از هلدینگ‌ها و غول‌های بزرگ صنعتی پیش از این سابقه داشته است ولی اینکه یک بانک پشت تولید آلبوم موسیقی قرار بگیرد و از آن برای ایجاد یک سرویس جدید استریم پرده برداری کند در نوع خودش اگر نگوییم بی سابقه، بلکه کم سابقه است. کم سابقه از این بابت که پلنفرم «شید» متعلق به بانک گردشگری هم برای تولید سریال و تاک شوهای گوناگون با در عرصه رقابت با دیگر وی‌اودی‌ها گذاشته و به‌زودی سریال «امداد خارم» و برنامه «پوکر» را از طریق این بستر پخش خواهد کرد.

پیش از این بانک‌های دیگر هم دستی بر آتش تولید آثار هنری داشته‌اند ولی راه‌اندازی یک سرویس اختصاصی برای پخش موسیقی را باید اقدامی جدید از جانب بانک ص در نظر بگیریم. کمپانی‌های بزرگ و شرکت‌های خصوصی وقتی با در مسیر هنر می‌گذازند بازار هدف‌شان را مشخص می‌کنند و طبیعتاً بر اساس آن نیازهای مخاطبان‌شان را برآورده می‌سازند و بانک‌های خصوصی هم به هیچ‌وجه از این قاعده مستثنی نیستند. موسیقی مردم‌پسند ایران - که آثار دوران جدید همایون شجریان هم در این قالب دسته‌بندی می‌شوند - برای شنیده شدن هرچه بیشتر نیاز به پشتوانه مالی فراوان، امکانات اجرایی، رسانه‌های پخش و... دارند. برای نمونه آلبوم «هفت الف» با آهنگسازی مهیار علیزاده و صدای پارسیا خانف به عنوان یکی از شرکت‌کنندگان شوی استعدادیابی «عصر جدید» با حمایت مالی بانک م در سال ۱۳۹۶ منتشر و در آبان ماه همان سال به‌عنوان پر فروش‌ترین اثر موسیقی در سیات بیپ تونز مطرح شد ولی ادامه این مسیر به دلیل عدم وجود راهبرد مشخص از طرف بانک مربوطه ادامه پیدا نکرد و به حال خود رها شد. البته مالکیت بانک م در دید دولت قرار دارد و وظیفه ذاتی آن هم حمایت مالی از تولیدات موسیقی و به دست آوردن سهمی از بازار رقابت نیست ولی در موارد مشابهی نظیر آلبوم «افسانه چشم‌هایت» اثر مشترک همایون شجریان و علیرضا قربانی به آهنگسازی مهیار علیزاده اتفاق خاصی رخ نداد و با وجود فروش مناسب در بازار، نظر حامی مالی اش، هلدینگ صنایع مادر ایران را به ادامه این مسیر جلب نکرد.

بسیاری از شرکت‌های خصوصی رفیق نیمه‌راه هنرمندان هستند و حمایت‌شان را به شکل نطفه و نیمه از آنها ابراز می‌دارند. این مساله وقتی تعجب‌برانگیز می‌شود که می‌بینیم حتی در صورت اقبال عمومی به یک اثر هنری در بازار باز هم تضمینی درخصوص ادامه فعالیت این شرکت‌ها صورت نمی‌گیرد و آنها با گرفتن عکس‌های دسته‌جمعی با فعالان عرصه هنر، صحنه را بدون هیچ دستاورد خاصی ترک می‌کنند. از طرف دیگر، حمایت بانک م، به عنوان یکی از موسسات مالی دولتی از آثار هنری با وظایف ذاتی این بانک در تعارض است و نمی‌توان با هیچ منطقی قرار

گرفتن بازوهای مالی حاکمیت در اقتصاد هنر را توجیه کرد. حال باید دید که پخش آلبوم «شمس» در بستر اپلیکیشن نوبنک‌ات سبینو متعلق به بانک ص به چه شکل انجام می‌پذیرد و آیا موفقیت احتمالی این اثر در مارکت موسیقی ایران، نظر بانک‌های خصوصی را برای ماندن در اقتصاد نیم بند هنر در کشور جلب می‌کند یا خیر؟ با این حال، بانک ص بهانه‌ای دست م‌داد تا نگاهی به کارنامه همایون شجریان بیندازیم و فراز و فرود کارنامه هنری او را با شما در میان بگذاریم.

از هم نشینی با پدر تا ارائه اولین کارهای شخصی

شهروندان ایران برای ارائه ذوق و خلاقیت خود در قالب یک هنرمند به جز اندکی شانس به بهره بردن از حسن شهرت خانوادگی نیز احتیاج دارند وگرنه ممکن است راه ده ساله را با صرف زمان بیشتر به انتها برسانند یا در میانه پیمودن مسیر عطایش را به لقایش ببخشند و از تلاشش متصرف شوند. در دیگر نقاط دنیا که هنر تبدیل به کالایی پرسود شده و مدل ظهور و بروز آن بر اساس یک دودوتا چهارتای حساب شده پیش می‌رود افراد به صرف برخوردار شدن از شهرت خانوادگی نمی‌توانند برگرده هنر سوار شوند و به کار و فعالیت بپردازند. ولی در کشور ما عملاً عکس این قضیه به نحو مستمر در حال وقوع است و جبر روزگار حدود و ثغور موفقیت آدم‌ها در عالم هنر را مشخص می‌کند. همایون شجریان هم وقتی با این عرصه گداشت بسیاری موفقیت او را به سبب حضورش در زیر سایه نام پدر حتمی تصور می‌کردند. آنها اشتباه نمی‌کردند ولی قدرت پدرش ریسک توسط شجریان پسر در حوزه موسیقی سنتی را در نظر نمی‌گرفتند. همایون ابتدا در محضر زنده‌یاد ناصر فرهنگ‌فر نواختن تنبک را آموزش دید و در ادامه با حضور در تور کنسرت‌های پدرش به عنوان نوازنده تنبک و سپس همخوان توجه‌های زیادی را به خود جلب کرد. شجریان پسر اولین آلبوم مستقل خود را با همراهی و اهتمام محمد جواد ضرابیان در حال و هوایی آشنای برای گوش مخاطب به بازار عرضه کرد. نام این اثر نسیم وصل بود و همایون شجریان را در اولین فعالیت مستقل خود به عنوان خواننده در جایگاه خوب و تا حدودی مضمّن قرار داد. موسیقی ایرانی در قالب تصنیف پیش از ساز و آواز به دل شنوندگان عادی و روزمره‌اش می‌نشیند و ضرابیان هم نسبت به این مساله کاملاً آگاه بود و در شیوه کارش از این نگاه تبعیت کرد. زمین و زمان به حال پسر بزرگ محمدرضا شجریان که در اولین تجربه مستقش آثاری نظیر «هوای گریه»، «حاصل عمر»، «عشق از کجا» و... را خوانده غبطه می‌خورد و خب حق هم داشت چون همایون بلبلش برده بود و با این اثر در میان ایرها سیر می‌کرد. همکاری امتحان پس‌داده‌شده و موفق شجریان و ضرابیان در آلبوم‌های «شوق دوست» و «با ستاره‌ها» هم در حد و اندازه‌های کوچک‌تر تکرار شد و نام این خواننده را به عنوان یک تصنیف‌خوان خوب برآورد کرد.

«نقش خیال» و مطرح شدن نام یک جوان ۲۲ساله در موسیقی ایران

همایون شجریان در آغاز دوران حرفه‌ای اش و حتی تا نیمه‌های راه هیچ‌ابایی از قبول تجربه‌های نونداشته و سعی داشت برند خودش را بدون احتیاج به سبایه سنگین پدر در بالای سرش به وجود بیاورد. آلبوم نقش خیال با آهنگسازی علی قمصری - که در آن روزها تنها ۲۲ سال سن داشت - یکی از محصولات درخشان آن روزهاست. قمصری در کاربست رگه‌هایی از موسیقی

فلامنکو در اثر این به نقاط روشنی دست یافت و همایون شجریان را از قالب شنیدنی ولی محافظه‌کارش در آلبوم‌های پیشین به سمت تجربه‌های نو فراخواند. قمصری روح سرکشش داشت و با هدایت گروه همناوازن حصار قلب شجریان پدر را تسخیر کرد. محمدرضا شجریان در قالب یادداشتی قمصری را با حسین علیزاده مقایسه کرد و نوشت: «گروه همناوازن حصار، جوانان پرخاشه از اصالت فرهنگ خانواده‌های موسیقی ایران با سرپرستی و آهنگسازی علی قمصری در کنار همایون از برخی دیواره‌ها و حصارهای دست‌وپاگیر سنت‌های کهن گذشته است. اندیشه ریتیمیک آهنگین بدین‌گونه که ثانیه‌های زودگذر را متوقف کرد و هر ثانیه بیش از ۱۰ صدای هماهنگ در پیروند با واژه‌های دلنشین و ریتم‌های ترکیبی و پیچیده را بیافریند که من تا به حال چنین چیزی را ندیده بودم.»

عرصه سیمرغ جولانگه توست؟

ترجمان موسیقایی از شاهنامه فردوسی کار دشواری است و از میان اهالی موسیقی تعداد انگشت‌شماری با در این مسیر گذاشته و شانس خود را امتحان کرده‌اند که از جمله می‌توان به «باله بیژن و منیژه» اثر زنده‌یاد حسین دهلوی و آلبوم موسیقی «خشت و خاک» اثر صادق چراغی و آواز علیرضا قربانی اشاره کرد. به هر روی حمید متسیسم با اتکا به حد اکثر توان موسیقی ایران دست به خلق سیمرغ زد. این اثر برگردانی بر داستان زندگی زال بود که حمید متسیسم در مقام آهنگساز و همایون شجریان در جایگاه خواننده پشت اجرائش قرار گرفتند و به هر زحمتی که بود کار بزرگ‌شان را به سرانجام رساندند. در این اثرگستر که هومن خلعتبری رهبری اش را در سالن هرلد هلند برعهده داشت شجریان از تمام توشه هنری اش بهره گرفت تا هیچ ایرادی در نحوه درستخوانی شاهنامه پدید نیاید. وسعت صدای بالای این خواننده باعث می‌شد تا اگر ضعیفی هم در ترجمان موسیقایی متسیسم از زندگی زال وجود داشت کمتر به چشم بیاید و تیغ نقد اصحاب موسیقی در مواجهه با این اثر چندان تند نباشد.

برادران پورناظری و هیاهوی بسیار

صدای همایون شجریان با آلبوم «نه فرشته‌ام نه شیطان» (۱۳۹۲) دوباره در میان مردم عادی شنیده شد و طیف وسیعی از طبقه متوسط را درگیر خودش کرد. اما اوضاع در میان منتقدان حوزه موسیقی و همکاران قدیمی پدرش چندان بر وفق مراد نبود و آنها سخت مخالف شیوه همکاری میان همایون شجریان و تهمورس پورناظری بودند. نه فرشته‌ام نه شیطان از نظر سازبندی کاری شنیده به «نقش خیال» علی قمصری بود و چپ‌شن قطعات هم شباهت زیادی به آثار اولیه همایون داشت که مبتنی بر میدان داری تصنیف‌ها و ارجحیت آنها نسبت به ساز و آواز بود. موفقیت این آلبوم در بازار موسیقی ایران و همچنین قدرت نفوذ بالایش در میان مردم باعث شد تا همکاری همایون شجریان با برادران پورناظری ادامه پیدا کند و کارنامه این خواننده را هم با تغییر ریلی جدیدی به سمت پایبلاتر شدن پیش ببرد. این تغییر ریل به حدی گسترده و بنیان‌کن بود که همایون شجریان را به سمت خواندن آثار پاپ سوق داد. کارنامه شجریان در کنسرتی که وی در سال ۱۴۰۲ به صورت مشترک با نوحیروان روحانی برگزار کرد به حد اعلاi استحال رسیده؛ به طوری که وی عملاً به یک خواننده محلی - که خیل عظیمی از شنوندگان این مدل از موسیقی را راضی می‌کرد - تبدیل شد.

گزارش «فرهیختگان» از دهمین نمایشگاه «ایران نوشت»

جای خالی شخصیت‌های انیمیشن ایرانی

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

«ایران نوشت» از سال ۹۲ روی صحنه رفته و توانسته توجه مصرف‌کنندگان را به آثار ایرانی جلب کند. آثاری که در گرفتن افراد چندان مسیر همبازی نداشته و ندانند. بعد از گذشت ۱۰ سال از برگزاری ایران نوشت، این نمایشگاه توانسته بازتاب خوبی از شرایط فعلی نوشت‌افزار به دست بدهد. با دقت در محصولات و استقبال نسبت به ایران نوشت می‌توان به موضوعات مهمی در این صنعت همچون طراحی، مشکلات کاغذ و تنوع محصولات پسی برد، نکاتی که حتی در مواجهه میان ذائقه کودکان و بزرگی از غرفه‌ها هم مشهود است.

علی هفت ساله است و به همراه والدینش به ایران نوشت آمده. او امسال می‌خواهد به عنوان اولین فرزند خانواده به مدرسه برود. روی کوله‌پشتی علی، تصویر لوگوی یکی از باشگاه‌های خارجی نقش بسته. از این تصویر معلوم است که کوله‌پشتی او از ایران نوشت خریداری نشده، او جلوی اولین غرفه ایران نوشت می‌ایستد و می‌پرسد: «عمو دفتر (با طرح) فوتبالی داری؟» پاسخ منفی غرفه‌دار او را نادیده می‌گذرد. اگر علی از تمام غرفه‌ها هم همین سوال را بپرسد، چندان پاسخ متفاوتی نخواهد گرفت. ایران نوشت با آنکه نسبت به سال‌های گذشته رنگ و لعاب بیشتری گرفته است اما باز هم نمی‌تواند تمام سلیقه‌ها را پوشش دهد، مثالش هم همین عدم حضور قهرمانان و تیم‌های ورزشی یا شخصیت‌های غیرانیمیشنی برای برقراری ارتباط با مخاطب نوجوان است. این تنوع کم در طراحی محصولات راتا حدودی حضور انیمیشن‌های جدید اوج و سوره پوشانده‌اند. انیمیشن‌های اوج (مانند بیبی و بچه‌زنگ) در پنج یا شش غرفه و انیمیشن‌های سوره در یک یا دو غرفه ایران نوشت امسال دیده می‌شوند.

هوش مصنوعی و انیمیشن؛ راحت‌الحقوم طراحی نوشت‌افزار

اما پدیده جالب ایران نوشت امسال، حضور تصاویر ساخته‌شده با هوش مصنوعی است. از تصویر ریحانه سلطانی‌نژاد (دختر کاپشن‌صورتی) گرفته تا تصاویر کارتونی روی جلد بسیاری از دفترها و کیف‌ها، نشان می‌دهد که تولیدکنندگان نوشت‌افزار به راهکار ساده‌تری برای طراحی رسیده‌اند. این راهکار ساده و کم‌هزینه یعنی استفاده از هوش مصنوعی‌های تصویرساز، طبیعتاً توسط پدرهای انیمیشن‌ها استفاده نشده و مورد اقبال برند‌های کوچک‌تر است؛ برند‌هایی که با کاهش هزینه طراحی، تولیدات خود را با قیمت تمام‌شده کمتری راهی بازار کرده‌اند.

در این میان، تولیدکنندگانی هم در ایران نوشت حاضر هستند که از آثار انیمیشنی اوج و سوره استفاده کرده‌اند اما کیفیت و تنوع تولیدات آنها

تغییر می‌کند. به‌طور مثال دفتر سیمی صد برگ از حدود ۴ هزار تومان آغاز می‌شود تا ۱۶ هزار تومان با طراحی خاص. هم از نظر طراحی و هم از نظر قیمت، ایران نوشت وضعیت بهتری نسبت به نوشت‌افزارهای وارداتی کشور دارد. غرفه‌داری که دارد قیمت‌ها را به خانواده‌سازانشان می‌دهد به این موضوع اشاره می‌کند که قیمت‌هایمان ۱۰ تا ۲۰ درصد کمتر از جنس‌های مرغوب چینی بازار است.

فروشنده در پاسخ به این سوال که دفترها کاملاً ایرانی هستند یا خیر، با قاطعیت می‌گوید: «بله، ایرانی است». با کمی گشتن و پرسیدن این سوال از باقی فروشنده‌گان، قطعیت جواب‌ها کمتر می‌شود. اما یقیناً، دبیر ایران نوشت، تنها ۱۰ درصد از کاغذ ایران نوشت را کاغذ ایرانی اعلام می‌کند و با اشاره به این موضوع می‌گوید: «در ایران تولید کاغذ سفیدمان بسیار کم است. متأسفانه ذائقه مخاطب بیشتر به سمت استفاده از کاغذ سفید است و برای همین هم تولیدکنندگان به سمت این کاغذ می‌روند. البته ما کاغذ مازنداران را داریم که کاغذ سفید تولید می‌کند، جدای اینها کاغذ کرافت و کاغذ سنگ را هم داریم که می‌توانند بخشی از نیاز بازار را پوشش بدهند. امسال سعی کردیم کم‌کم به حوزه کاغذ غیر سفید کمک کنیم؛ چون از نظر پزشکی هم کاغذ غیرسفید برای سلامتی چشم مفیدتر است. الان در بازار حدود کمتر از دو درصد از کاغذ ایرانی استفاده می‌شود، اما در نمایشگاه این عدد حدود ۱۰ درصد است. به نظر کاغذ غیر سفید می‌تواند بیشتر از چهار یا پنج برابر، بازار فعلی خودش را گسترش بدهد.»

جای ایران نوشت مناسب نیست

بعد از گذشت ساعت ۵ از بعدازظهر، با آنکه واسطه هفته است، کم‌کم استقبال از نمایشگاه بیشتر می‌شود. با افزایش جمعیت در نمایشگاه، تته‌ها به همدگر می‌خورند و کوچک بودن محل برگزاری نمایشگاه نمایان می‌شود. در کنار ایران نوشت نمایشگاه رصتا است که صدواو سیم‌آن را برگزار می‌کند. با آنکه زمان نمایشگاه رصتا کوتاه‌تر از ایران نوشت است و میزان استقبال ایران نوشت از آن بیشتر اما سالن شبستان به رصتا رسیده و ایران نوشت در محل کوچک‌تری برگزار می‌شود. یقیناً دلیل این اتفاق را طولانی بودن زمان برگزاری ایران نوشت و تداخلش با نمازجمعته تهران می‌داند؛ آخرین نمازجمععه - که در واقع در شبستان برگزار شد - شانزدهم شهریور بود؛ ولی ما یک روز قبل‌تر یعنی نازدهم کار را شروع کردیم و عملانی‌توانستیم منتظر باشیم که نمازجمععه تمام شود. انیمیشن‌ها هم مخاطب گسترده‌ای جذب کنند. شاهد مثال این موضوع سارا است. سارا امسال می‌خواهد به کلاس دهم برود، پدر و مادرش به غرفه‌ها نگاهی می‌اندازند و در هر غرفه قیمت دفترها را به‌تناسب کیفیت و مواد استفاده‌شده در آن متفاوت می‌بینند. از دفتر ته‌چسب گرفته تا دفترهای رزکوب، قیمت هم به‌تناسب نیاز مخاطب

کاغذ غیرسفید و سودای محبوبیت

ایران نوشت که در سال ۹۲ با حدود ۱۵ تولیدکننده کار خود را آغاز کرد اکنون بیش از ۱۰۰ تولیدکننده را در خود جای داده است. تولیدکنندگانی که با متنوع کردن محصولات از نظر کیفیت و قیمت توانسته‌اند مخاطب گسترده‌ای جذب کنند. شاهد مثال این موضوع سارا است. سارا امسال می‌خواهد به کلاس دهم برود، پدر و مادرش به غرفه‌ها نگاهی می‌اندازند و در هر غرفه قیمت دفترها را به‌تناسب کیفیت و مواد استفاده‌شده در آن متفاوت می‌بینند. از دفتر ته‌چسب گرفته تا دفترهای رزکوب، قیمت هم به‌تناسب نیاز مخاطب

فرهنگ

چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

شماره ۴۲۳۱

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

آلبوم‌های «ایران من»، آلبوم موسیقی متن فیلم «آرایش غلیظ» و آلبوم موسیقی متن «رگ خواب» ازجمله همکاری‌های همایون شجریان و برادران پورناظری، به خصوص سهراب بود که علی‌رغم نشاندن لیخنند رضایت بر لب بعضی از شنوندگان طیف بیشتری از مخاطبان را از پیش خود راند. بسیاری از منتقدان این‌طور اعتراض‌شان را نشان می‌دادند که در موسیقی سهراب پورناظری علی‌رغم داد و بیاد‌های فراوان هیچ کارنو و جدیدی صورت نمی‌گیرد و نشانی از ابداع و خلاقیت در آنها وجود ندارد. درحقیقت نه رویکرد جدیدی به مدهای از پیش تعریف شده در این میان وجود دارد و نه فرم‌های تازه و نویی از پس نواختن نت‌ها خلق می‌شود. درموسیقی‌ای که برادران پورناظری به رگ شنوندگان قسم خورده‌شان با استفاده از برند همایون شجریان تزئین می‌کردند- و شاید همچنان هم دوست داشته باشند این کار را ادامه دهند- در عین محافظه‌کاری و همه‌فهم بودن سعی در سنت‌شکنانه نشان دادن خودشان داشتند؛ درحالی که ایران من یا نه فرشته‌ام نه شیطان پدیده عجیب‌الخلقه‌ای در موسیقی ما به حساب نمی‌آیند.

